



بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين إنه خير ناصر ومعين الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وعلي وآلهما الطيبين الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين أبا الأبدین

کومبوچا (بخش دوم)

پیشگفتار

مقدمه: متداول این است که مقدمه هر مقاله یا کتابی در آغاز کتاب و قبل از شروع بخش اول بیاید؛ ولی ما در این مقطع به آن می پردازیم؛ چون می خواستیم برای خوانندگانی که عنوان **کومبوچا** برایشان آشنا نیست؛ ابتدا یک آشنایی کلی روی عنوان موضوع داشته؛ تا بعد از آن به مباحث اصلی مربوط به **کومبوچا** بپردازیم، از این رو قبل از ورود به مباحث اصلی؛ مقدماتی چند نکته را اشاره می کنیم:

نکته اول: توجهی که دانشمندان امروزی و مؤسسات تحقیقاتی و داروسازی به گیاهان و خواص ناشناخته آن نشان می دهند؛ در نتیجه روی آوردن دوباره مردم دنیا به گیاه درمانی و روشهای طبیعی و کهن معالجه بیماریهاست، و این خود ناشی از بهای سنگینی است که مردم جهان با جان و مالشان برای طب رایج می پردازند؛ ولی علیرغم نتایج موقت و موقتی طب رایج و بالا رفتن سطح زندگی و بهداشت مردم؛ اما در مجموع بشر امروز بیمارتر و ناتوانتر از بشر دیروز است، بروز بیماریهای لاعلاج و صعب العلاج به دهها برابر تعداد دیروز آن افزایش یافته، و عدد نسبی بیماران جهان امروز بیش از بیماران دنیای قدیم شده، و میزان ابتلای بشر عصر جدید به انواع بیماریها بیش از بشر عصر گذشته گردیده، و مدت بیماری و دوران درمان طولانیتر از سابق شده، و مسیر و روش معالجه پیچیده تر از گذشته گردیده، و هزینه درمان چندین برابر قدیم شده است. از این روست که بسیاری از مردم دنیا خصوصا سطوح فرهیخته آنها دوباره به این عقیده قدیمی رسیده اند که: شفای دردهای بشر در سفره حضرت آفریدگار نهفته است. پس بایستی هم درمانهای طبیعی و راه و روش زندگی طبیعی را جدی بگیریم.

آنچه در مورد گیاه درمانی بطور کلی صادق است در مورد قارچ **کومبوچا** نیز صادق است.

اولا: این قارچ فقط یکی از هزاران یا صدها هزار گیاه است که در چین باستان، ژاپن، هند، ایران، اروپا، آفریقا، آمریکا وجود داشته و دارد، و در گذشته حکیمان و اطبا تنها از این ذخیره الهی در طبیعت برای درمان همه بیماریها استفاده می کردند.

ثانیا: روشهای درمانی گیاهی، برخلاف داروهای شیمیایی و سنتتیک عوارض جانبی وخیم ندارند.

ثالثا: بعد از حدود یک قرن که از استعمال داروهای شیمیایی و مبارزه با عوارض جانبی سوء آنها می گذرد معلوم گردیده آنچه مردم در فرهنگها و تمدنهای گذشته در سر تا سر دنیا مفید و مؤثر شناخته بودند بی جهت نبوده است.

نکته دوم: هر چند **کومبوچا** قدمت دو هزار و سیصد ساله دارد ولی دانش جدید تنها در اوایل قرن اخیر با آن آشنا شده؛ و از تحقیقاتش تنها نیم قرن می گذرد؛ اما با همه اینها صدها مقاله و کتاب و طرح تحقیقاتی در این باره منتشر کرده است، که تا کنون دو کتاب به فارسی ترجمه شده؛ و دو طرح تحقیقاتی در این باره در مراکز علمی ایران به ثبت رسیده است. ما در این صفحات بنا داریم که اضافه بر محتویات مطالب این کتابها و طرحها؛ مطالب عمده ای را که در منابع بین المللی است؛ بطور فشرده ارائه دهیم. بعد از انتشار بقیه بخشها؛ علاقمندان به مشارکت در تکمیل این مرسولات؛ می توانند با مطالعه دقیق محتویات آنها و معین کردن ریز عناوین مطالب آن؛ با ادامه مطالعه و تحقیق خود در مراجع بین المللی؛ نکات جدید و ذکر نشده در مرسولات **کومبوچا** را جمع آوری نموده و با ذکر منابع آن برای مجله ارسال نمایند؛ تا با تدوین مرسولاتی تکمیلی؛ آن در حوزه علاقمندان به حیات اعلی منتشر نماییم.

نکته سوم: از کسانی که علاقه دارند در ادامه با مشارکت در ثبت تحقیقاتی شواهد درمانی **کومبوچا** مشارکت نمایند؛ استقبال می نمایم، در این رابطه باید جزئیات **معرفه شخصی** (جنس - سن - مزاج - وزن - قد) و نیز تفصیل **تجربه درمانی** (نام مورد بهداشتی یا درمانی - سابقه ابتلا و نحوه درمان و طول درمان - تاریخ ابتلا - تاریخ شروع درمان - مدت درمان - نحوه و مقدار مصرف) خویش را نوشته و برای **مجله حیات اعلی** ارسال نمایند.



سیر تکوینی کومبوچا

قبلا گفتیم که کومبوچا غیر از چای کومبو ژاپنی است که نوعی گیاه دریایی پرورش یافته در آب شور است. ولی از آنجا که نام کومبوچا در زبان تایوانی به معنی خزه اقیانوس بوده؛ و در تاریخچه کومبوچا منشأیی با وصف خزه دریایی قهوه ای رنگ وجود داشته؛ و هم امروز در تمام بطریهای کومبوچا بعد از گذشت مدتی این خزه در ته ظرف آشکار می گردد؛ فلذا این امر منشأ دیرینه خزه گونه کومبوچا را تأیید می کند.

هر چند این خزه در ادامه حیاتش روی صخره های ساحلی به صورت گل سنگ تغییر شکل داده است. و یا بعد از آن روی تنه درختان جنگلی نواحی مرطوب به صورت قارچی تیره رنگتر تکامل یافته و پس از آن به صورت پرورشی در محلول (چای + شکر) ادامه حیات داده تا به صورت نرم و لطیف و رنگ روشن امروزی درآمده است.

ظرف دو دهه گذشته برخی کارخانه های داروسازی و مؤسسات تحقیقاتی طبی مهم جهان؛ در پی اطلاع از درمان برخی بیماریهای لاعلاج توسط طب بومی و کهن آمریکای جنوبی؛ جنگلهای استوایی در آمریکای جنوبی را زیر پا گذاشتند و از هر درخت، بوته، علف، قارچ و جلبک نمونه برداری کرده و برای یافتن درمانی برای بیماری های لاعلاجی مانند سرطان، ام.اس و...؛ آنها را مورد آزمایش لابراتواری و بالینی قرار دادند. تا اینکه در نتیجه این عملیات تحقیقاتی گسترده، از نوعی قارچ کپک مانند؛ که روی تنه درختی در گوشه ای از جنگلهای استوایی رشد می کرد دارویی استخراج کردند که در درمان برخی امراض صعب العلاج مؤثر بود.

همچنین در پی اطلاع از درمان برخی بیماریهای لاعلاج توسط طب بومی و کهن آفریقا؛ برخی کمپانی ها و غولهای تجاری داروسازی جهان نیز از گیاه دیگری در جنگل های ماداگاسکار؛ برای معالجه لوسمی و هوچکین (دو نوع سرطان خونی) ماده دارویی ساختند و به بازار عرضه کردند.

از آنجا که جزئیات این دو نوع گیاه و فرمول تهیه آن منتشر نشده است؛ ولی نظر به تشابه وصف (قارچ کپک مانند؛ که روی تنه برخی درختان رشد می کند) که با اوصاف دیرینه کومبوچا مشابهت داشته، و نیز نوع بیماریهایی که علاج می کند جزو لیست درمانی کومبوچاست؛ لذا بعید نیست که از همان نوع باشد.

در هر صورت قارچ امروزین کومبوچا؛ محلول (چای + شکر) محیط رشد خود را؛ تغییرات ساختاری شیمیایی داده، و از آن نوشیدنی متفاوت با محلول اولیه (هم از نظر رنگ هم مزه هم بو و نیز خواص بسیار) می سازد. این نوشیدنی جدید که دیگر نه آب است، نه چای است، نه شکر و چای است، بلکه کومبوچا است، این ماده مایع جدید است که مورد بحث و شرح مطالب آتی ماست.



تحقیقات جهانی بر روی کومبوچا

کومبوچا (اکسیر زندگانی): امروزه در سراسر دنیا؛ **کومبوچا** را به عنوان نشانه ای از دوستی؛ به دوست دیگر هدیه می کند. به نظر می رسد این شربت درمان معجزه آسای بسیاری از دردهاست. محققین کشف کرده اند که **این قارچ حاوی سه عنصر حیاتی** است.

کسانی که در سرتاسر دنیا از شربت **کومبوچا** استفاده می کنند تعدادی از بیماریها را عنوان کرده اند که به وسیله **کومبوچا** درمان شده است و این تنها دلیلی است که از آن به عنوان **معجزه گر و یا درمان بیماریها** نام برده شده است.

و به اعتقاد پزشکان که اثرات این قارچ را بر روی افراد مختلف مورد مطالعه قرار داده اند "**کومبوچا**" همان اکسیر حیات بخشی است که دستیابی به آن همیشه آرزوی بشر بوده است. زیرا مصرف آن از ریزش موها، چین و چروک پوست و سخت شدن رگها، مفاصل و عضلات که از علایم بالا رفتن سن و پیری است جلوگیری می کند. در واقع با مصرف "**کومبوچا**" طول دوران جوانی افزایش می یابد و زمان پیری دیرتر فرا می رسد.

پژوهشگران و پزشکان برای اثبات این نظریه به طول عمر افراد در مناطقی که در آنجا به طور سنتی، قارچ **کومبوچا** به صورت محلول در نوعی نوشیدنی استفاده می شود اشاره می کنند. آنها می گویند: بسیاری از کسانی که در مناطق کوهستانی قفقاز؛ یا مناطق روستائی سیبری مانند "پاکوتا"، یا در اوکراین، تبت یا اسپانیا زندگی می کنند بیشتر از یکصد سال سن دارند و یکی از دلایل این طول عمر استفاده از قارچ "**کومبوچا**" است.

آغاز تحقیقات دانش جدید در قرن گذشته: بعد از جنگ جهانی دوم؛ آمار ابتلا به انواع سرطانها در شوروی و کشورهای دیگر سال به سال افزایش تصاعدي پیدا کرد. به دستور استالین در اوایل سال ۱۹۵۱ آکادمی علوم روسیه و انستیتو مرکزی پژوهش اونکولوژیک (تومر شناسی) مسکو مأموریت یافت تا طی برنامه پژوهشی مهمی؛ تحقیقات گسترده ای همراه با تحلیلی دقیق از اطلاعات آماری میزان ابتلا به سرطان در مناطق مختلف، اتحاد جماهیر شوروی (سابق) انجام داده و گزارش آنرا ارائه بدهد.

در ضمن این تحقیقات بنا شد که عاداتها و شرایط زیست محیطی سکنه مناطقی که در آن موارد ابتلا به سرطان بسیار کم بوده است را نیز با دقت و تفصیل بررسی کنند. با این روش (که تقریباً می شود گفت به سبک جرم شناسی شبیه بوده) امیدی بود که به اکتشافات جدیدی دست پیدا کنند هم در زمینه عوامل بیماریزا (pathogenesis) و هم (در صورت امکان) درمان قطعی سرطان را کشف کنند.

کشف نواحی عدم ابتلا به سرطان: بعد از جمع آوری آمارهای سراسری نقاط مختلف اتحاد جماهیر شوروی آنروز، محققین با کمال تعجب مشاهده کردند که در نواحی: سولیکامسک Ssolikamsk و یرسنیکی Beresniki (در منطقه یرم Perm در حاشیه رود کاما Kama در اورال مرکزی و غربیترین منطقه آسیای روسیه)؛ تقریباً هیچ مورد ابتلا به سرطان وجود نداشته؛ و ندردا اگر هم یافت می شد؛ این موارد تنها مربوط به افرادی می شده که اهل آن نواحی نبوده و از بیرون به این مناطق آمده بودند.



این گزارشات تکان دهنده توجه محققین را برای بررسیهای دیگری جلب کرد؛ که ببینند آیا شرایط سلامتی محیطی یا خصوصیات دیگری موجب امتیاز این نواحی شده است؟ پس از بررسی معلوم شد که شرایط زیست محیطی در آنجا هم بهتر از شرایط مناطق صنعتی قدیمی نبود. بلکه در ناحیه های سولیکمسلک و یرسنیکي، صنایع جدید و دایما در حال توسعه ای وجود داشت که از مناطق صنعتی قدیمی موجود در جاهای دیگر شوروی بسیار خطرناک تر بود، مثلا میزان آلودگی به پتاسیم، جیوه و سرب و وجود معادن پنبه نسوز (asbestos) و فرایند خطرناک تولیدی که به عرضه آنها مربوط می شد، و بالاتر از اینها؛ به دلیل اینکه تراکم جمعیت خیلی کمتر بود، لذا در صد ابتدای آلودگی زیست محیطی نیز در حد بسیار خطرناکی بالا بود؛ به حدی که درختان و ماهیهای رود کاما که در آن ناحیه است؛ از این آلودگی می مردند.

تلاش برای کشف معمای عدم ابتلا به سرطان: با این بررسیها مناطق استثنایی مشخص شده بودند؛ و الآن باید علل این استثنایی بودن معلوم می گردید، دو هیئت اکتشافی که در هر کدام ده نفر از دانشمندان حضور داشتند؛ به همراه بقیه کارمندان لازم برای این بررسیهای تحقیقاتی تشکیل شد. مناطق استثنایی بطور عمده در دو نقطه متمرکز می شدند، برای هر منطقه يك گروه اکتشافی مأموریت یافت، دکتر مولودیو Molodyev سرپرستی گروه اکتشافی عازم ناحیه سولیکمسلک را به عهده داشت، و دکتر گریگوریو Grigoriev سرپرستی گروه اکتشافی عازم ناحیه یرسنیکي را عهده دار بود. همه مراحل این سفرهای اکتشافی و نوع بررسیها مفصلا ثبت گردیده است، اما ما در اینجا اگر بخواهیم به تفصیل روشها و تکنیکهای تحقیقاتی بکار برده شده در این برنامه های اکتشافی بپردازیم؛ شرح آنها خیلی گسترده و طولانی بوده و این مقاله گنجایش آن را ندارد؛ لذا به برخی از آنها می پردازیم. و در بین انواع تکنیکهایی که آن دو هیئت اکتشافی بکار بردند، می توان چند تا را ذکر کنیم.



بررسی ریشه نژادی ساکنان، بررسی تفاوتهای نژادی و فروع و اختلاط آنها، بررسی شرایط زندگی مردم آنجا، بررسی کیفیت سیستم آب رسانی آن نواحی، بررسی عادات مردم در خوردن، نوشیدن و خوابیدن و تفریح ها و سرگرمیها، بررسی رده های سنی ... و.. و غیره...

گشوده نشدن راز: بررسی و تحقیق این عوامل بسیار به اضافه عوامل ریزتر؛ راز استثنایی بودن این نواحی را نگشود، این بررسیها هیچ تفاوتی محسوس را برای مردم این نواحی نسبت به سکنه مناطق دیگر شوروی نشان نمی داد!!! آزمایشات انجام شده بر روی آلودگی و اثر آن بر خاک، آب، گیاهان و جانداران، نتایج به غایت منفی (حاکمی از عدم وجود تفاوت) به ارمغان آورد. اگر این نتایج منفی؛ تضاد بین این نتایج و نبودن موارد سرطان در آنجا

را بیشتر تشدید نمی کرد، این بررسیهای علمی خیلی زودتر از این به اتمام می رسید. ولی همین امر موجب تشدید و استمرار بررسیها گردید؛ اما با همه اینها؛ بررسیهای طولانی نیز هیچ چیزی قابل اهمیتی را نشان نمی داد. معمای اولیه کشف نواحی غیر مبتلا به سرطان؛ پیچیده تر شده بود، و دانشمندان می دیدند که بدون هیچ دلیلی مردم این نواحی (که شرایطشان بدتر از دیگر نواحی شوروی سابق است) به سرطان مبتلا نمی شوند؟؟؟؟!!

پیچیده تر شدن معما: بالاتر از اینها دانشمندان هیئتهای اکتشافی دیدند که: با کمال تعجب تنها چیزی که در تفاوت مردم این نواحی نسبت به بقیه کشور قابل ملاحظه بود؛ مواردی است که معما را پیچیده تر می کند، و آن این است که:

الف: میزان پرداخت هزینه های درمانی توسط بیمه اجتماعی برای مردم آن نواحی بسیار کمتر از بقیه نواحی بود!!! و این یعنی بالا بودن سطح سلامتی مردم این نواحی، که آنها را بی نیاز از استفاده از خدمات سرویسهای درمانی می کرد!!!

ب: (همانطور که می دانید عادت شرابخواری افراطی مشخصه رایج سکنه نواحی مختلف شوروی سابق و خصوصا روسیه است؛ که به این خصوصیت در میان مردم مخمور بقیه جهان انگشت نما هستند، اگر جاهای دیگر با لیوان می خورند آنجا با بارچ می خورند، اضافه بر اینکه درصد الکل موجود در شراب روسی (ودکا) چند برابر شرابهای معمول دنیاست، از این رو یکی از مشکلات شدید و شایع در شوروی؛ موضوع مستی و عوارض آن در سلامتی فردی و اجتماعی و پائین بودن بازدهی کاری و بالا بودن شدت بیماریهای مربوطه و دیگر عوارض آن می باشد) محققین هیئتهای اکتشافی دیدند که مردم این نواحی علیرغم افراط بیشتر در استعمال الکل و نیکوتین، اصلا پدیده ای به اسم مستی در میانشان مطرح نبوده بلکه عملا ناشناخته بود. کانه آنجا مردم می توانستند الکل بیشتر بنوشند بدون اینکه آن قدر مست بشوند، بالتبع عوارض مستی؛ از افت کاری و مانند آنرا نداشته، بلکه این مردم راندمان بازدهی کاریشان خیلی بهتر از بقیه مناطق شوروی بود. همچنین گزارش وجود خسارات به علت مستی تقریبا وجود نداشت؛ بر خلاف بالا بودن آمار آن در دیگر نواحی شوروی. و علی رغم مصرف زیادتر الکل؛ میزان کار و محصول به طور مداوم و استثنایی از حد معمول بالاتر بود. روحیه سکنه این نواحی با نشاط و به طور کلی بالا بود.

(توضیح مهم: حرمت استعمال مسکرات اگر چه بخاطر مستی آوری آنست؛ ولی اینطور نیست که اگر شخصی با مقداری مست نشود، آن مقدار بر او حلال شود، همینطور مردم نواحی مذکور، از این رو؛ هر چند مسکر بودن نشانه حرام بودن مصرف آن نوشیدنی است ولی در صورت مسکر بودن مایعی ذاتا اما به عللی برای شخصی مسکر نباشد؛ این موجب جایز شدن آن نمی شود، و آثار منفی استعمال مسکر از نظر زوال ایمان و معنویت حتی در صورت عدم بروز موردی نشانه های مستی در شخصی به قوت خود باقی است)

در نتیجه دانشمندان علیرغم بررسیهای متنوع و طولانی و مستمر نه تنها دلیل استثنایی بودن این نواحی را کشف نکرده بودند؛ بلکه شرایط بد زیست محیطی این نواحی و نیز بالا بودن سطح سلامتی و کم بودن مراجع به سرویسهای درمانی و عدم تاثیر الکل روی این مردم این نواحی؛ معمای اولیه را غامض تر از گذشته نموده بود، و توضیحاتی برای تمام این موارد به چشم نمی خورد و با همه بررسیها؛ امید کمی بود که حتی يك دلیلی پیدا بشود.

راز گشایي این معما: يك روز گرم تابستاني، دكتر مولودیو بررسی سیستم آب رسانی (چاه) یکی از خانواده های مورد تحقیق را شخصا انجام می داد. زن و شوهر سرکار بودند و بچه ها در مهدکودک. فقط يك بابوشکا (مادر بزرگ) پیر؛ مشغول کارهای خانگی آنجا بود. این بابوشکا يك نوشیدنی خنک به دكتر مولودیو تعارف کرد و آن هم قبول کرد. این نوشیدنی دلپذیر، خوش طعم و خنک کننده بود، ولی برای دكتر مولودیو ناشناخته به نظر آمد. در باره ی آن پرسید؟ و پیرزن جواب داد که اسمش: **تي کواس** است. دكتر تعجبش بیشتر شد چون با همه دانشش چنین نوشیدنی را نمی شناخت. پیرزن توضیح داد که از چای شیرین تخمیر شده توسط قارچ چای یا اسفنج چای تهیه شده است. ابهام و تعجب دكتر برطرف نشد؛ و چون دكتر حرف آن زن را نمی فهمید، او ده تا کوزه سنگی بزرگ به او نشان داد که در يك اطاق کوچک بهلو هم چیده شده بود و بر سر هر کدام از این کوزه ها يك پارچه پنبه ای یا کتانِي کشیده بود. بوي شديد تخمیر می آمد. بر روي سطح آنها يك چیز ژله ای و پهن مثل يك پنکیک (نوع شیرینی گرد شبیه کلوچه به پهنای يك پيش دستي) و شبیه يك عروس دریایی و به رنگ قهوه ای خاکستري شناور بود. او از روش تهیه اش پرسید: آن پیره زن طرز تهیه دقیق آن برای دكتر شرح داد: در هر کوزه ۳ تا ۵ لیتر چای سیاه گرم و شیرین (يك قاشق مرباخوري چای و ۱۰۰ تا ۱۵۰ گرم شکر برای هر لیتر آب) می ریزد. وقتی که چای ولرم شد يك فنجان تي کواس قبلي اضافه می کند و يك قارچ روي سطح چای قرار می دهد. بعد سر کوزه را با يك پارچه پنبه ای یا کتانِي می بندد. ۱۰ تا ۱۲ روز بعد در دمای ۲۰ تا ۳۰ درجه، تي کواس جدید آماده می شود.

از قضا، گروه دكتر گریگوریو که در ناحیه برسنیکي تحقیق می کرد نیز به همین نوشیدنی تي کواس یا چای تخمیر شده برخورد



کرده بود. بررسیهای طولانی و دقیق هیئتهای اکتشافی نشان داد که در این دو ناحیه قریب به اتفاق همه ي خانواده ها خودشان **تي کواس** تهیه می کردند و به مقدار زیاد مصرف می کردند.

نوبت ارزیابی علمی نتایج بررسی که رسید، هیچ کدام از دانشمندان این دو گروه نتوانست رده بندی یا تشخیص قارچ چای با قطعیت علمی انجام بدهد. انستیتو مرکزی باکتریولوژیکی مسکو با سرعت به کمکشان رسید. با تشخیص نمونه ها و عکسها، معلوم شد که با قارچ کمتر شناخته شده کومبوجا سر کار دارند. و **کومبوجا** همان اسفنج چای یا قارچ چای ژاپنی که يك توده ژله ای تشکیل شده از باکتریوم گزیلینوم *Bacterium xylinum* و رسوب سلولهای خمیری لانه ای شکل ساکارومیسز می باشد. در این توده ي همزیستی چندین نوع باکتری و مخمر از جمله: *Saccharomyces* و *Saccharomyces ludwigii* از نوع *Bacterium xylinoides gagiculatis* و *Bacterium gluconicum* و *Schizosaccharomyces pombe* و *Acetobacter ketogenum* و *Pichia fermentans* و *Torula types* و همچنین مخمر های دیگر نیز وجود دارد.

جهان غرب: با این سری تحقیقات گسترده که مختصرا شرح شد؛ بالأخره جهان غرب بعد از دو هزار و سیصد سال به مطلبی رسید که حکمای شرق و خاور دور آنرا از خیلی گذشته های دور کشف کرده بودند. به دنبال تحقیقات فوق؛ تحقیقات مراکز علمی مختلف روي این موضوع ادامه داشته است. قابل قبولترین نتایج تحقیق در دانشگاه *امسک* در روسیه و در غرب توسط دكتر رودلف اسکلنر به دست آمده است. اکثر روزنامه های آلمان درباره تحقیق دكتر اسکلنر صحبت می کنند. او اهل آلمان شرقی بود، جایی که **کومبوجا** از آغاز این قرن توسط افراد معمولی مصرف می شد. او طب را در دانشگاه پراگ فراگرفت و به قارچ **کومبوجا** برای اولین بار در صومعه ای برخورد کرد. او طی جنگ جهانی به کشت قارچ یاد شده پرداخت و تحقیقات علمی

خود را بر اساس آن انجام داد. در سالهای ۱۹۶۰، تحقیقات خود را در نشریات علمی منتشر کرد که نتیجه آن افزایش آگاهی درباره خواص درمانی و تقویتی **کومبوچا** بود. دکتر اسکندر **کومبوچا** را برای **درمان بیماریهای دیابت، فشار خون بالا و اختلالات گوارشی شکمی و دفع و همچنین رماتیسم و نقرس**، با موفقیت تمام بکار برد.

سایر جهان: در ادامه قرن اخیر؛ تحقیقات مراکز علمی مختلف جهان روی این موضوع ادامه داشته است، اما در **ایران** (با توجه به رسم تبعیت مراکز علمی جدید از غرب؛ و اینکه تنها بعد از تأیید غرب؛ آنرا قابل بررسی می دانند) فلذا اخیرا با **کومبوچا** آشنا شده اند و از دهه قبلی تا کنون دو طرح تحقیقاتی زیر نظر وزارت علوم و وزارت صنایع و معادن در این باره انجام گرفته است: **اثرات کامبوچا در پیشگیری و درمان عوارض ناشی از مصرف مواد سرطانزا** - دکتر سید جمال مشتاقیان - دانشگاه اصفهان - وزارت صنایع و معادن / **قارچ کامبوچا** - امیراسماعیل ثقفی نیا - پایان نامه (کارشناسی ارشد) - دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

برخی از عناوین بخشهای آینده

اجزای تشکیل دهنده کومبوچا
برخی تجربه های درمانی (با شهرت جهانی) بر روی کومبوچا
فهرست آثار تجربه شده کومبوچا
انواع فراورده های قارچ کومبوچا
نحوه و مقدار مصرف کومبوچا
بررسی ناسازگاری یا عوارض جانبی مصرف کومبوچا
روش تهیه و ساخت کومبوچا
شرایط نگهداری کومبوچا
انواع فراورده های کومبوچا

.....



والحمد لله رب العالمین